



الدَّرْسُ الثَّالِثُ



قِصَّةُ الْأَخَوَيْنِ



الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الْمُعْجَم: (۲۴ کلمه جدید)

عَجَزَ:	کرایه، مُزد	عَضِبَ:	خشمگین شد (مضارع: يَعْضِبُ)
إِخْوَان:	یاران، برادران «مفرد: أَخ»	عَضَبَان:	خشمگین
إِعْتَذَرَ:	معذرت خواست (مضارع: يَعْتَذِرُ)	قَاطِعُ الرَّحِمِ:	بُرندۀ پیوند خویشان
أَعْجَزَ:	ناتوان ترین	قَبَّلَ:	بوسید (مضارع: يُقَبِّلُ)
جَسَرَ:	پُل «جمع: جُسُور»	قَسَّمَ:	تقسیم کرد (مضارع: يُقَسِّمُ)
حَسِبَ:	پنداشت (مضارع: يَحْسِبُ)	كَشَفَ:	آشکار کرد (مضارع: يَكْشِفُ)
خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفًا:	بیست و پنج هزار	لَا تَرْكَبُ:	سوار نمی شویم «ماضی: رَكِبَ»
رَجَاءً:	لطفاً «رَجَاء: امید»	مَخْزَن:	انبار «جمع: مَخَازِن»
رَجِمَ:	رانده شده	مَرَاغِقُ صِحْيَةٍ:	سرویس بهداشتی
شَغَلَ:	روشن کن «ماضی: شَغَلَ / مضارع: يُشَغِّلُ»	مُعْطَل:	خراب
عَجَزَ:	ناتوان شد (مضارع: يَعْجِزُ)	مُكَيِّف:	کولر
عَدَوُ:	دشمن «جمع: أَعْدَاء»	نَزَلَ:	پایین آمد (مضارع: يَنْزِلُ)

جِسْرُ الصَّدَاقَةِ

1 كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَخَوَيْنِ. هُمَا كَانَا فِي مَزْرَعَةٍ قَمَحٍ.² فِي أَحَدِ الْيَافِافِ، وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ الْاَخُ الْكَبِيرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْاَخِ الْاَصْغَرِ «سَعِيدٍ» وَ قَالَ لَهُ:



«أَخْرِجْ¹ مِنْ مَزْرَعَتِي.»

3 وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرَزْوَاجِهِ سَعِيدٍ:

«أَخْرِجِي² مِنْ بَيْتِنَا.»

4 فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْيَافِافِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛

شَاهَدَ نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ:

5 «مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»

أَجَابَ النَّجَّارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»

١- أَخْرِجْ: خَارِجٌ شَوْ «مَذْكَرٌ»

٢- أَخْرِجِي: خَارِجٌ شَوْ «مُؤَنَّثٌ»

پیل دوستی

- 1 حمید و سعید دو برادر بودند. آن در مزرعه گندم بودند. «از مزرعه من برو بیرون»
- 2 در روزی از روزها میا آن دو دشمنی افتاد و برادر بزرگتر حمید بر برادر کوچکتر سعید خشمگین شد و بدو گفت:
- 3 «همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه ما برو بیرون»
- 4 در صبح یکی از روزها مردی درب خانه حمید را کوبید. زمانی که حمید درب منزل را باز کرد بخاری را دید و از او پرسید: «از من چه می خواهی؟»
- 5 بخار پاسخ داد: «به دنبال کاری می گردم کاری داری؟»
- 6 پس حمید گفت: «البته، من مشکلی دارم حل آن بدست توست». بخار گفت: «مشکلت چیست؟»
- 7 حمید پاسخ داد: «آن خانه هایم است. او برادرم و دشمنم است. به آن نهر نگاه کن».
- 8 او با آن نهر مزرعه را به دو نیم تقسیم کرده. او نهری را حفر کرده. چرا که او بر من خشمگین است.
- 9 خوب برای بسیاری در آباد دارم. لطفا میان ما دیواری چوبی بساز.
- 10 سپس بخار گفت: «من به بازار می روم و عصر بر می گردم».
- 11 هنگامی که عصر حمید به مزرعه پرشت، بسیار تعجب کرد. بخار دیواری را ساخت بعد پیل دوی نهر
- 12 پس حمید خشمگین شد و به بخار گفت: «چکار کردی؟ چرا پیل ساختی؟»
- 13 در این زمان سعید رسید و پیل را دید پس گمان کرد که حمید دستور ساخت پیل را داده است؟
- 14 پس از پیل عبور کرد و شروع به گریه کرد و برادرش را بوسید و عذرخواهی کرد.
- 15 حمید به سوی بخار رفت و از او شکر کرد و گفت: «تو سه روز مهمان من هستی».
- 16 بخار عذرخواهی کرد و گفت: «پیل برای بسیاری باقی است، باید برای ساختن بروم».

17 «آن هستند که خدا به آنها نگاه نمی کند: نرنبه ارتباط خویشاوندی و همایه بد»

رسول خدا (ص)

6 فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّكِيدِ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَحَلُّهَا بِيَدِكَ.»

قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟»

7 أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ **عَدَوِي**؛ أَنْظِرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ **قَسَمٌ** الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛ إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ؛ لِأَنَّهُ **غَضَبَانُ** عَلَيَّ.

9 عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي **الْمَخْرَزِ**؛ **رَجَاءً**، إِصْنَعْ جِدَارًا خَشْبِيًّا بَيْنَنَا.»

10 ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ:

«أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً.»

11 عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَزْرَعَتِهِ مَسَاءً، تَعَجَّبَ كَثِيرًا؛ أَلَيْسَ النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا؛ بَلْ

صَنَعَ **جِسْرًا** عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ لِلنَّجَّارِ:

«مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا؟!»

13 فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا؛ فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛

14 فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ قَبَّلَ أَخَاهُ وَ **اعْتَذَرَ**.

15 ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَ قَالَ:

«أَنْتَ ضَيْفِي لِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.»

16 **اعْتَذَرَ** النَّجَّارُ وَ قَالَ:

«جُسُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ؛

عَلَيَّ الدَّهَابُ لِصُنْعِهَا.»



17 إِنْثَانٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: **قَاطِعُ الرِّجَمِ** وَ جَارُ السَّوْءِ.

مِنْ كَلَامِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

با توجه به متن درس درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را معلوم کنید.



۱. قَالَتْ زَوْجَهُ حَمِيدٌ لِرَزْوَاجِهِ سَعِيدٌ: أَخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا.



۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَاراً خَشَبِيّاً بَيْنَ الْأَخْوَيْنِ.



۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.



۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ.



۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَ مَا قَبَّلَ أَخَاهُ.



۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ.

فَعْلُ الْأَمْرِ (۱)

فَعْلُ الْأَمْرِ ← (يا وَلَدُ، افْعَلْ)، (يا بِنْتُ، افْعَلِي)



لَمْ أَنْتِ وَحِيدَةٌ؟ اَلْعَبِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.
چرا تو تنهایی؟ همراه همکلاسی‌هایت بازی کن.

لَمْ أَنْتَ وَحِيدٌ؟ اَلْعَبْ مَعَ زَمَلَائِكَ.
چرا تو تنهایی؟ همراه همکلاس‌هایت بازی کن.

با فعل امر آشنا شوید. «فعل امر، درخواست از دیگران برای انجام کاری است». به فرق میان فعل‌های مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل امر
	تَفْعَلُ (مفرد مذکر مخاطب)	إِفْعَلْ (مفرد مذکر مخاطب)
	تَفْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	إِفْعَلِي (مفرد مؤنث مخاطب)

فرق فعل مضارع و فعل امر را کشف کنید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَسْمَعُ: می شنوی	اسْمَعْ: بشنو	تَعْلَمِينَ: می دانی	اعْلَمِي: بدان
تَجْلِسُ: می نشینی	اجْلِسْ: بنشین	تَجْلِبِينَ: می آوری	اجْلِبِي: بیاور
تَكْتُبُ: می نویسی	اكتبْ: بنویس	تَصُدِّقِينَ: راست می گویی	اصْدُقِي: راست بگو

ترجمه کنید.

اِبْحَثْ عَنِ الْمِفْتَاحِ.	بر دنبال کلید بگرد	اِزْرَعِي قَمْحًا.	کندم بکار
ارْقَعْ عِلْمَ إِيْرَانِ.	پرتیم ایران را بالا ببر	اِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ	بسوی پروردگارت برگرد
اَطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ.	بهترین کار را طلب کن	اَشْكُرِي أُمَّكَ.	از مادرت قدردانی کن

التمارين

١ التمرين الأول:

درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت مشخص کنید.



١. اَلْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ وَ الْمَوْظَفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ.



٢. مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافَظَةِ خُرَاسَانَ.



٣. اَلْمَخْزَنُ مَكَانٌ نَجْعَلُ وَ نَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً.



٤. بَعْدَمَا^١ صَدَمَتْ سَيَّارَةٌ عَابِرًا، يَأْتِي شُرْطِيُّ الْمُرُورِ.



٥. اَلْجِسْرُ مَكَانٌ يَرْقُدُ فِيهِ الْمَرَضَى لِلْعِلَاجِ.

٢ التمرين الثاني:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر، ترجمه کنید.



رَجَاءُ، اِلْعَبِي مَعَنَا كُرَّةَ الْمُنْصَدَةِ.

لطفًا با ما تنیس روی میز بازی کن



رَجَاءُ، اِلْعَبْ مَعَنَا كُرَّةَ الْقَدَمِ.

لطفًا با ما فوتبال بازی کن

١- بَعْدَمَا: بعد از اینکه

۳ التَّمَرُّنُ الثَّلَاثُ:

آیات شریفه زیر را ترجمه؛ سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ ^۱ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را بیا مزر و به ما رحم کن. و تو بهترین رحم‌کننده‌ای

۲. ﴿... رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾ ^۲ الْأَعْرَاف: ۸۹

پروردگارا میان ما و قوم ما به حق راه گشایش (داوری کن) و تو بهترین راه‌گشایان (داور) هستی.

۳. ﴿وَ اكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ ...﴾ ^۳ الْأَعْرَاف: ۱۰۶

و برای ما در این دنیا و در آخرت نیکی بنویس

۴. ﴿... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ ^۴ آل عمران: ۱۴۷

ما را بر گروه کافران یاری فرما

۵. ﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ ^۵ الْحَجَر: ۳۴

گفت پس از آن خارج شو پس قطعاً تو رانده شده‌ای.

۶. ﴿وَ ادْخُلِي جَنَّتِي﴾ ^۶ الْفَجَر: ۳۰

و در بهشت من داخل شو

۴ التَّمَرُّنُ الرَّابِعُ:

هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

صِغَاب - صَالِحَات - رَاحِمُونَ - زَوْجَةٌ - جِسْرَيْن - تَلْمِيزَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
زَوْجَةٌ	جِسْرَيْنِ	تَلْمِيزَتَانِ	رَاحِمُونَ	صَالِحَات	صِغَاب

۱- همزه غُفْر و اِرْحَم در ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا﴾ خوانده نمی‌شود. معمولاً در قرآن روی این همزه نشانه ص می‌گذارند. ← ﴿فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا﴾ (نشانه ص یعنی قَ را در ﴿فَاغْفِرْ﴾ به غ وصل کن).

۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

ترجمه کنید؛ سپس فرق جملهٔ خطاب به مذکر را با جملهٔ خطاب به مؤنث توضیح دهید.
در جملهٔ خطاب به مذکر علامت آخر فعل امر سالن است و در جمله از آیتها استفاده شود.
در جملهٔ خطاب به مؤنث علامت آخر فعل امری است و در جمله از آیتها استفاده شود.

۱. یا أُخِي، اِسْمَعْ كَلَامَ مُدَرِّسِنَا. ای برادر من سخن معلم را بشنو.

۲. یا أُخْتِي، اِسْمَعِي كَلَامَ مُدَرِّسَتِنَا. ای خواهر من سخن معلم را بشنو.

۳. یا أَيُّهَا التِّلْمِيذُ، اُشْكُرْ رَبَّكَ. ای دانش آموز از پروردگارت تشکر کن.

۴. یا أَيُّهَا التِّلْمِيذَةُ، اُشْكُرِي رَبَّكَ. ای دانش آموز از پروردگارت تشکر کن.

۶ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. مَنْ فِي الْأَرْضِ، يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ. ☒ اِرْحَمْ ☐ اُسْجُدْ

۲. اَلْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا لِعُبُورِ السَّيَّارَاتِ. ☒ جَسْرًا ☐ مَخْزَنًا

۳. سَعِيدٌ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ. ☒ قَسَمَ ☐ حَسِبَ

۴. عَجَزَ الْمَرِيضُ؛ فَ..... فِي الْمُسْتَشْفَى. ☒ رَقَدَ ☐ حَفَرَ

۵. ظَلَمْتُ صَدِيقَكَ؛ فَهُوَ عَلَيْكَ. ☒ اَحَبُّ ☐ غَضْبَانٌ

۶. جَارُنَا يَعْْمَلُ فِي الْكَرَاسِيِّ. ☒ مَلْعَبٍ ☐ مَصْنَعٍ

کلمه‌های مترادف و متضاد را کنار هم بنویسید.

حَیَاة - جَمَال - تَلْمِیز - عِنْدَمَا - حَزین - فُبَح - مَحْزُون - لَمَّا - شَقَاوَة - طَالِب -

سَعَادَة - مَمَات

حَیَاة ≠ مَمَات - جَمَال ≠ قُبْح - شَقَاوَة ≠ سَعَادَة -
تَلْمِیز = طَالِب - عِنْدَمَا = لَمَّا - حَزین = مَحْزُون

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید؛ سپس فعل‌های ماضی، مضارع و امر را تشخیص دهید.

۱. اِعْلَمَنَّ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بدان که پیروزی با بردباری است

۲. لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

از خدا تشکر نکرده هر که از مردم تشکر نکرده

۳. أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نا توان ترین مردم کسی است که از بدست آوردن دوستان ناتوان باشد

۴. إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بسیاهی که برداشنت توانا گشتی پس بخشش درباره او را شکرانه ای برای توانایی بر او قرار ده

۵. أَلْعِلْمُ وَالْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ الْجَهْلُ وَالْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش و ثروت هر عیبی را محو می‌کنند و نادانی و فقر هر عیبی را آشکار می‌کنند

۱- النَّصْر: پیروزی.

۲- حرف «ل» در «اجعل» در جمله «... اجعل العفو...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو

حرف ساکن در کنار هم در زبان عربی دشوار است (اجعل العفو).

یک متن کوتاه عربی (قرآن، حدیث، داستان و لطیفه ...) پیدا کنید که فعل امر داشته باشد.



الْأَرْبَعِينَ

عِنْدَ السَّائِقِ

- | | |
|--|---|
| <p>1 - الْأَجْرَةُ مَقْطُوعَةٌ. كَمْ نَفَرًا أَنْتُمْ؟</p> <p>2 - أَجْرُهُ كُلُّ نَفَرٍ خَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ دِينَارٍ.</p> <p>...</p> <p>3 - عَلَى عَيْنِي.</p> | <p>1 - كَمْ أَجْرُهُ نَفَرٍ وَاحِدٍ؟</p> <p>2 - ثَلَاثَةٌ.</p> <p>3 - الْجَوُّ حَارٌّ. رَجَاءٌ، عَلَيْكَ بِالْحَرَكَةِ يَا سَائِقُ.</p> |
|--|---|

اربعینیات

نزد رانده

- 1 - کرایه هر نفر چقدر است؟ - کرایه مقطوع است شما چند نفرید؟
 - 2 - سه نفر - کرایه هر نفر ۲۵ هزار دینار
 - 3 - هوا گرم است. لطفا حرکت کن ای رانده - بروی چشم
 - 4 - لطفا کوکس را روشن کن - کوکس خراب است
 - 5 - یخشید پس سوار این اتوبوس نمی شوم - پنجره های اتوبوس را باز می کنم
 - 6 - نه ما پیاده می شویم یخشید - ایرادی ندارد
 - 7 - لطفا درجایی برای بجا آوردن نماز و استراحت - بروی چشم
- توقف کن
- 8 - ای رانده کجا و کی توقف می کنی؟ - در یکی از کوکب های نیم ساعت بعد
 - 9 - آیا سرویس بهداشتی پیدای شود؟ - بله ، البته

4

- رَجَاءٌ، شَغْلِ الْمُكَيَّفِ.

5

- عَفْوًا؛ فَلَا تَرْكَبْ هَذِهِ الْحَافِلَةَ.

6

- لَا، نَحْنُ نَنْزِلُ. مَعَذِرَةٌ.

7

- رَجَاءٌ، عَلَيْكَ بِالْوُقُوفِ فِي مَكَانٍ لِأَدَاءِ الصَّلَاةِ^١

وَلِلَّاسْتِرَاحَةِ.

8

- يَا سَائِقُ، أَيْنَ الْوُقُوفُ^٢ وَ مَتَى؟

9

- هَلْ تَوْجَدُ مَرَافِقِي صِحِّيَّةً؟

- اَلْمُكَيَّفُ مُعَطَّلٌ.

- أَفْتَحْ نَوَافِذَ الْحَافِلَةِ.

- لَا بَأْسَ.

...

- عَلَى عَيْنِي.

- فِي أَحَدِ الْمَوَاكِبِ بَعْدَ نِصْفِ سَاعَةٍ.

- نَعَمْ، بِالتَّأَكِيدِ.

...



١- أداءُ الصَّلَاةِ: بهِجَا آوَرْدِنِ نَمَاز

٢- الْوُقُوفُ: اِيَسْتَادِنِ، تَوْقِف